**رفراندوم در کردستان عراق: هشدارها و تهدیدها**

گفتگو با حمید تقوایی

*با نزدیک شدن تاریخ برگزاری رفراندوم در کردستان عراق، مخالفت خوانی ها با آن تشدید شده است. هشدار، تهدید و زبان زور اینروزها فضا را پر کرده است. دبیرکل سازمان ملل آنتونیو گوترش هشدار داده است و خواهان توقف این روند شده است. نخست وزیر عراق حیدر عبادی گفته است که در صورت بروز خشونت در برگزاری همه پرسی استقلال کردستان به دخالت نظامی متوسل می شود.دیوان‌عالی عراق رفراندوم استقلال کردستان را غیرقانونی خوانده است. علی شمخانی دبیر شورایعالی امنیت ملی ایران اعلام کرد که جمهوری اسلامی فقط دولت واحد عراق را به‌رسمیت می‌شناسد و اعلام داشته است که همه گذرگاه های مرزی با کردستان را خواهند بست. قاسم سلیمانی در یک اظهار نظر گفته است که دیگر مانع حشدالشعبی برای حمله به اربیل نخواهد بود. اردغان اعلام کرده است که آنکارا و بغداد درباره رفراندوم اقلیم کردستان موضع واحدی دارند ودولت ترکیه، تمامیت عراق را برسمیت میشناسد. ارتش ترکیه در آستانه برگزاری رفراندوم مانور نظامی برگزار کرده است. در این میان، بنیامین نتانیاهو مجددا تاکید کرده است که اسرائیل از استقلال اقلیم کردستان و تشکیل «دولت کرد» در شمال عراق حمایت می‌کند. عربستان موضع فعالی ندارد. آمریکا موقعیت پیچیده ای در عراق و منطقه دارد و به همین خاطر موضع مبهمی دارد، هر چند گفته است که مخالف برگزاری رفراندوم است. فضای عمومی در کردستان عراق حمایت از برگزاری آن است. احزاب کمونیست کارگری در عراق و همچنین حزب کمونیست کارگری ایران، از برگزاری رفراندوم و ایجاد دولت مستقل کردستان حمایت کرده است. در این رابطه با حمید تقوایی گفتگو میکنیم.*

**خلیل کیوان:** شما در اظهار نظرهای قبلی خود از برگزاری همه پرسی و ایجاد دولت مستقل کردستان عراق دفاع کرده اید. قبل از اینکه در مورد وضعیت حاد فعلی نظر شما را جویا شویم، برای خوانندگان انترناسیونال توضیح دهید که چه تفاوتی بین سیاست حزب و سیاست بارزانی و نتانیاهو در دفاع از برگزاری رفراندوم و تشکیل دولت کردستان وجود دارد؟

**حمید تقوایی:** نتانیاهو وبارزانی و کلا دولتها و نیروهای ناسیونالیست مدافع استقلال هر یک بدنبال منافع و اهداف ویژه خود هستند. نتانیاهو تصور میکند که با استقلال کردستان عراق موقعیت دولتهای مخالفش در منطقه تضعیف خواهد شد و دولت متبوعه اش در وضعیت مستحکم تری قرار خواهد گرفت. نیروهای ناسیونالیست کرد خواهان تشکیل "کشور خودی"، سلطه بر منابع و بازار ملی کار و سرمایه و "استقلال" بورژوازی کرد در استثمار کارگران "خودی" هستند. این هدف استراتژیک و پایه ای بورژوازی استقلال طلب در همه جای دنیا است. در مورد کردستان عراق نیز این امر صادق است.

از سوی دیگر از دیدگاه کارگران و توده مردم زحمتکش، استقلال بعنوان راه حلی برای رفع ستم و تبعیض ملی، میتواند موضوعیت و مطلوبیتی داشته باشد و در شرایط معینی، نظیر شرایط امروز در کردستان عراق، این تنها راه حل ممکن است. در یک سطح پایه‌ای تری استقلال و تشکیل کشور مستقل میتواند توهمات و تعصبات ملی و ناسیونالیستی را کنار بزند و شرایط مساعدتری برای پیشرفت مبارزه طبقاتی علیه بورژوازی "خودی" فراهم بیاورد. بنابرین اساسا و بطور عمومی بورژوازی و طبقه کارگر اهداف کاملا متفاوت و حتی متضادی را از حل مساله ملی از طریق رفراندوم و تشکیل کشور مستقل دنبال میکنند.

در مورد رفراندوم اخیر در کردستان عراق نیز همین عوامل و اهداف عمومی صدق میکند. در عین حال این رفراندوم در شرایط کاملا ویژه و بیسابقه ای انجام میشود که به نظر من تقابل میان اهداف و سیاستهای کمونیستها و نیروهای ناسیونالیست را بیش از پیش برجسته میکند. احزاب ناسیونالیست کرد بیش از ۲۵ سال است که عملا در کردستان عراق حاکم هستند. و در استثمار و بهره کشی از کارگران "خودی" و غارت منابع و ثروت جامعه از چیزی فروگذار نکرده اند. از سوی دیگر، مساله ستم و تبعیضات ملی و کشمکش میان بورژوازی کرد و عرب (که در زمان صدام به شدید ترین وجه وجود داشت) عملا تا حد زیادی حل شده است و این شرایط باعث شده توده مردم در کرستان عراق به ماهیت ضد کارگری و ارتجاعی احزاب ناسیونالیست کرد در تجربه هر روزه خود بیش از پیش پی ببرند. امروز مدتهاست کشاکش و مبارزه طبقاتی در کردستان عراق، مثل هر کشور دیگری، حول مساله سلطه سرمایه دارن مفتخور و مصائبی نظیربیکاری و فقر و گرانی و تورم و بیحقوقی و بی تامینی کارگران و توده زحمتکش مردم، برجسته و قطبی شده است. در این شرایط، طرح استقلال برای احزاب ناسیونالیست حاکم، تلاشی برای عوض کردن صورت مساله و تثبیت موقعیت خود در حاکمیت است. مشخصا بارزانی در پی آنست که با طرح این مساله حتی اگر به جدائی و استقلال منجر نشود، امتیازات بیشتری از دولت مرکزی بگیرد و بخیال خود موقعیت اش در دولت اقلیمی را تقویت کند. از نظر کارگران و کمونیستها بر عکس، استقلال میتواند آخرین توهمات نسبت به احزاب ناسیونالیستی را از میان بردارد و شرایط مساعدی برای تقابل مستقیم و رودررو با بورژوازی کرد و احزاب حاکمش را فراهم آورد. از این نقطه نظر، استقلال برای کارگران حلقه مهمی در تقویت و تشدید مبارزه علیه بورژوازی "خودی" است که نزدیک سه دهه است خون مردم کردستان را در شیشه کرده است. اینکه عملا در کردستان مستقل شرایط مبارزه چه شکلی بخود خواهد گرفت تماما به مواضع و سیاستها و عملکرد نیروهای چپ و کمونیست در برخورد به مساله همه پرسی و استقلال بستگی دارد. از همین امروز باید بروشنی توضیح داد که چرا و با چه اهداف و خواستهائی باید توده کارگران و مردم زحمتکش در رفراندوم شرکت کنند و بجدائی رای بدهند و در مقابل ناسیونالیستها چه اهداف و منافعی را دنبال میکنند. تبلیغ و آگاه ساختن جامعه از این اهداف و سیاستهای متفاوت و متقابل، اولین ثمره طرح مساله رفراندوم و جدائی در شرایط امروز عراق است.

**خلیل کیوان:** حزب کمونیست کارگری از مدتها قبل، در سال ۱۹۹۵ یعنی چهار سال پس از اولین حمله آمریکا به عراق و ویران کردن آن کشور، راه حل مساله کرد در عراق را برگزاری رفراندوم و تشکیل دولت کردستان اعلام کرده بود. آیا همه جوانب سیاست و طرح رفراندوم حزب کمونیست کارگری در آنزمان تا امروز بقوت خود باقی است و اکنون شما صرفا بر آن تاکید می گذارید، و یا جوانبی از آن سیاست تغییر یافته است؟

**حمید تقوایی:** شرایط تغییرات زیادی کرده است اما اساس مساله و موضع ما تغییری نکرده است. به نظر من روند اوضاع در چند دهه اخیر بر حقانیت موضع ما در دفاع از برگزاری رفراندوم و جدائی بیش از پیش صحه گذاشته است.

تا آنجا که به رفراندوم مربوط میشود ما در همه مواردی که مساله ملی وجود دارد - مثلا در مورد کردستان عراق و ترکیه و سوریه نیز- خواهان حل این مساله از طریق رفراندوم و رجوع به رای مردم در یک شرایط کاملا آزاد و دموکراتیک هستیم. اما موضع ما در قبال جدائی یکسان نیست و کاملا به شرایط مشخص در هر مورد بستگی دارد. ابتدا بگویم که ما حل مسله ملی را تنها به دو شیوه ممکن میدانیم: باقی ماندن مردم تحت ستم ملی در چهار چوب یک کشور بعنوان شهروندان متساوی الحقوق و یا، اگر این راه حل ممکن نبود و یا چشم اندازی برای تحقق آن وجود نداشت، جدائی و تشکیل کشور مستقل. آلترناتیوهای بینابینی نظیر فدرالیسم و خودمختاری و خودگردانی و غیره از نظر ما راه حل مساله ملی و ستم ملی نیست بلکه برعکس عامل تشدید و تثبیت و نهادینه کردن مساله است.

تا آنجا که به شرایط کردستان عراق مربوط میشود اساسا بخاطر وضعیت بهم ریخته جامعه و فعال مایشائی نیروهای فوق ارتجاعی اسلامی و قومی و ناسیونالیستی در کل کشورعراق، مساله ماندن در چارچوب یک کشور بعنوان شهروندان متساوی الحقوق اساسا موضوعیتی پیدا نمیکند. این یک دلیل پایه ای ما در حمایت از جدائی کردستان از عراق است. امروز فاکتور دیگری نیز به این شرایط اضافه شده است: حاکمیت احزاب ناسیونالیست و فقر و بیحقوقی که درنزدیک به سه دهه بر جامعه حاکم کرده اند، توده کارگر و مردم زحمتکش کردستان عراق را مستقیما و بلاواسطه رودرروی احزاب "خودی" قرار داه است و جدائی میتواند این تقابل را به نفع کارگران و توده مردم کاملا تغییر بدهد. بعنوان مثال سرنگونی دولت اقلیمی و خلع ید اقتصادی و سیاسی از بورژوازی در بخشی از کشور عراق قابل تصور نیست ولی در کشور مستقل کردستان این مبارزه کاملاموضوعیت پیدا میکند، بجلو رانده میشود و در محور قرار میگیرد. ما کمونیستها همیشه حل مساله ملی را یک پیش شرط رشد و تعمیق مبارزه طبقاتی در میان "ملت تحت ستم" دانسته ایم و شرایط امروز کردستان عراق یک نمونه بارز این واقعیت است.

**خلیل کیوان:**عده ای معتقدند برگزاری همه پرسی و تشکیل دولت کردستان به قدرت گیری بیشتر احزاب ناسیونالیست - که مردم کردستان از حاکمیت آنها رنج بسیاری کشیده اند و از آنها متنفرند-منجر خواهد شد و لذا حمایت از برگزاری رفراندم، در خدمت مستحکمتر کردن تسلط حاکمیت ارتجاعی ناسیونالیست ها بر مردم کردستان خواهد بود. در این مورد چه نظری دارید؟

**حمید تقوایی:** ممکن است جدائی در کوتاه مدت و بطور موقت و گذرا رونقی به کار احزاب ناسیونالیستی بدهد ولی ورق به سرعت برخواهد گشت. به نظر من قرار گرفتن احزاب حاکم در کردستان به عنوان یک دولت مستقل به رسوائی و بی اعتباری و تضعیف هر چه بیشترموقعیت آنها منجر خواهد شد. کما اینکه تغییر موقعیت این احزاب از اپوزیسیون دولت مرکزی در زمان صدام به دولت اقلیمی، آنها را در میان توده مردم بسیار رسواتر و بی آبروتر کرد. تشکیل دولت مستقل آخرین حلقه در این سیر قهقرائی بورژوازی کرد و بچالش کشیده شدن تمام و کمال او از جانب طبقه کارگر و توده مردم زحمتکش خواهد بود. همین امروز در موارد مختلفی- نظیر عدم پرداختن حقوق کارمندان دولت که مدتهاست به یک مساله مزمن و مورد اعتراض مردم تبدیل شده- دولت اقلیمی دولت مرکزی را بعنوان عامل و مسئول اصلی این وضعیت بمردم نشان میدهد. در مورد تجارت خارجی و فروش نفت و کلا وضعیت نابسامان اقتصادی نیز سیاستهای دولت مرکزی بهانه و دستاویز همیشگی احزاب حاکم در کردستان بوده است. بعبارت دیگر نفس تعلق اقلیم کردستان به کشور عراق و بهانه رابطه "نابرابر" و "غیر منصفانه" با دولت مرکزی - دولتی که ارگانهای مختلف آن بین سنی ها و شیعیان و کردها تقسیم شده و رئیس جمهورش رهبر یکی از احزاب اصلی ناسیونالیستی کرد است - همچنان به احزاب ناسیونالیست کرد امکان میدهد روی تعصبات و سابقه نفرت ملی بین کرد و عرب سرمایه گذاری کنند و آنرا در خدمت تثبیت موقعیت خود بکار بگیرند. استقلال به این داستان پایان خواهد داد.

**خلیل کیوان:** چند روز به برگزاری رفراندوم باقی مانده است. دول و نیروهای مخالف آن، هنوز به فشار سیاسی و دیپلماتیک برای ممانعت از برگزاری رفراندوم امید بسته اند. احزاب ناسیونالیست کرد که امروز خواهان برگزاری رفراندوم هستند، در دوره های مختلف تاریخی، چرخش های زیاد و سازش های متعددی داشته اند. آیا ممکن است در روزهای باقیمانده شاهد چرخش و تغییری در سیاست برگزارکنندگان رفراندوم باشیم که به عقب نشینی آنها منجر شود و به این ترتیب روند تحولات بسمت دیگری سوق یابد؟

**حمید تقوایی:** به نظر من هنوز بیشترین احتمال تعویق آن است. قبلا در سال ۲۰۱۴ نیز مسئولین دولت اقلیمی اعلام کردند که همه پرسی حول خواست جدائی برگزار خواهند کرد اما، در مذاکره با دولت مرکزی این تصمیم را لغو کردند. درمورد اخیر نیز مسعود بارزانی در گفتگو با وزیر دفاع بریتانیا که برای ابراز مخالفت دولت متبوعه اش با همه پرسی به اربیل رفته بود اعلام کرد که در صورت اینکه مذاکره بر سر مساله استقلال در دستور دولت مرکزی عراق قرار بگیرد و از جانب نهادهای بین المللی آغاز و تداوم این مذاکرات تضمین بشود، میتوان رفراندوم را به عقب انداخت. باید توجه داشت که دولت آمریکا نیز مذاکره با دولت مرکزی عراق را بعنوان آلترناتیو همه پرسی پیشنهاد کرده است. بارزانی در واقع خواهان آنست که دول غربی دولت عراق را وادار کنند بر سر میز مذاکره با دستور استقلال بنشیند. احزاب ناسیونالیست کرد تصور میکنند در چنین صورتی خواهند توانست امتیازات بیشتری از دولت مرکزی بگیرند.

**خلیل کیوان:** دولت آمریکا اعلام کرده است که رفراندوم در شرایط حاضر بر مبارزه علیه داعش "تاثیر نامطلوبی دارد" و از این بابت ابراز نگرانی کرده و با آن مخالفت کرده است. آیا این صرفا یک موضع دیپلماتیک و تاکتیکی است؟ آیا از این میتوان نتیجه گرفت که دولت آمریکا از لحاظ استراتزیک و اصولی با جدائی کردستان عراق مشکل چندانی ندارد؟

**حمید تقوایی:** مانورها و اهداف دیپلماتیک دولت آمریکا هر چه باشد در این تردیدی نیست که سیاستهای منطقه ای دولت آمریکا از زمان جنگ خلیج تا امروز شرایطی را در منطقه فراهم آورده است که یک نتیجه آن بجلو رانده شدن و مطرح شدن مساله استقلال در کردستان عراق است.

با حمله آمریکا به عراق در سال ۱۹۹۱، نیروهای ناسیونالیست کرد در منطقه کردستان عراق بقدرت رسیدند و از آن زمان بعنوان متحدین و پیروان سیاست دولت آمریکا در منطقه عمل کرده اند. این اتکا به دولت آمریکا اولین و مهمترین فاکتور در طرح استقلال از جانب این احزاب است. عامل دیگر گفتمان خاورمیانه بزرگ و تقسیم عراق به سه کشور است که از جانب دولت بوش پسر در سال ۲۰۰۵ مطرح شد و بعنوان یک گفتمان و چشم انداز استراتژیک مورد بحث و بررسی صاحبنظران سیاسی قرار گرفت. و بالاخره باید از جنگ نیروهای پیشمرگ در عراق و در سوریه علیه داعش در چهارچوب سیاست منطقه ای دولت آمریکا و تحت رهبری آن دولت نام برد. (این یکی از دلایلی است که دولت آمریکا طرح مساله استقلال را به ضرر مبارزه علیه داعش ارزیابی میکند).

با توجه به این فاکتورها میتوان گفت سرمنشاء طرح استقلال ار جانب ناسیونالیسم کرد سیاستهای دولت آمریکا و متحدینش در دو دهه اخیر بوده است. بورژوازی کرد در عراق خواست استقلال را ادامه منطقی سیر تحولات منطقه و منطبق با طرح "خاورمیانه بزرگ" و گفتمان "تقسیم کشور عراق به سه بخش" میداند و تصور میکند در نهایت و از لحاظ استراتژیک دولت آمریکا را در کنار خود خواهد داشت. ممکن است این بار نیز بخاطرمخالفت و ابراز نگرانی دولت آمریکا و دیگر دول غربی و منطقه ای بارزانی و سایر نیروهای ناسیونالیست کرد از طرح رفراندوم و خواست جدائی دست بکشند ولی غولی که رها شده را نمیتوان دوباره در شیشه کرد. حتی طرح صرفنظر کردن از همه پرسی به شرط آغاز و ادامه مذاکرات با دولت مرکزی عراق بر سر مساله استقلال با نظارت دول غربی - موضعی که اخیرا بارزانی اعلام کرده است- به معنی زنده نگهداشتن این خواست و صرفا به عقب انداختن آن تا شرایط مساعد تری است.

**خلیل کیوان:** دولتهای ترکیه و جمهوری اسلامی به شدت با رفراندوم مخالف هستند و حتی به تهدید نظامی متوسل شده اند. آیا ممکن نیست این مساله به جنگ و درگیری تازه ای در منطقه منجر بشود؟ برخی میگویند به این دلیل باید از برگزاری همه پرسی اجتناب کرد. نظر شما چیست؟

حمید تقوائی: دولت های ترکیه و ایران و مشخصا جمهوری اسلامی سابقه سیاه و جنایتکارانه ای در سرکوب مردم کردستان دارند. این خط و نشان کشیدنهای نظامی نیز بخاطر هراس و وحشت آنها از مطرح شدن و الگو قرار گرفتن همه پرسی در دیگر مناطق کردستان است. دولت سوریه هم دقیقا بهمین دلیل با آن مخالف است. به نظر من همه نیروهای چپ و آزادیخواه موظفند با این تهدیدات نظامی مقابله کنند. اینجا یک مساله پایه ای و عمومی و فراتر از شرایط امروز کردستان عراق مطرح است. بحث بر سر حق پایه ای مردم تحت ستم ملی برای برگزاری رفراندوم و تصمیم به جدائی در هر جای دنیا و در هر شرایطی است که مساله ملی وجود دارد. هیچ دولت و نیروئی حق ندارد علیه مردمی که میخواهند در یک همه پرسی آزادانه و دموکراتیک در مورد باقیماندن در چهارچوب یک کشور و یا جدائی از آن تصمیم بگیرند، به تهدید نظامی متوسل شود و یا حتی به اعمال فشار دیپلماتیک و اقتصادی دست بزند. رفراندوم میتواند به هر دلیلی به عقب بیافتد ولی تسلیم شدن به این نوع تهدیدات و خط و نشان کشیدنها نمیتواند و نباید جزء این دلایل باشد. برعکس باید با تمام توان در برابر این مواضع و سیاستهای فوق ارتجاعی ایستاد و آنرا به عقب راند.

**خلیل کیوان:** رفراندوم در کردستان پیامدها و تاثیرات ژئوپلتیک گسترده ای را با خود بهمراه خواهد داشت. یک کشور کردستان که پایگاهی برای آمریکا و متحد اسرائیل باشد اوضاع را بنفع اسرائیل و حضور آمریکا در منطقه متحول خواهد کرد. شما پیامدهای تشکیل دولت مستقل کردستان بر کشورهای منطقه را چگونه می بینید. پیامدهای این رویداد در ایران و و بویژه در کردستان ایران چه خواهد بود؟

**حمید تقوایی:** مسلما استقلال کردستان شرایط ژئو پلتیکی منطقه را تغییر خواهد داد اما، لزوما این تغییرات به نفع اسرائیل و آمریکا نخواهد بود. دولت آمریکا هم اکنون کنترل چندانی بر تحولات منطقه ندارد و کلا سیاستهایش در سوریه و افغانستان و حتی خود عراق به بن بست رسیده است. از سوی دیگر بلوک بندیهای منطقه ای بین دولتها و نیروهای هار و فوق ارتجاعی اسلامی در منطقه شکل گرفته است و دولت آمریکا و همچنین روسیه، که به یک بازیگر اصلی در منطقه بدل شده، میکوشند از طریق این بلوکهای قومی- اسلامی سیاستهای خود را به پیش ببرند. استقلال کردستان قبل از هر چیز این توازن قوای ارتجاعی را بر هم خواهد زد و در صورتی که نیروهای چپ و کمونیست درست عمل کنند این تحول میتواند به نفع کمپ کارگران و توده مردم زحمتکش و نیروهای چپ و آزادیخواه در منطقه تمام بشود. همانطور که بالاتر توضیح دادم طبقه کارگر در کشور مستقل کردستان از شرایط مطلوب تری برای پیشبرد مبارزه خود علیه بورژوازی برخوردار خواهد بود و این تاثیرات مثبتی بر مناطق کردستان در دیگر کشورها خواهد داشت. از سوی دیگر نفس برگزاری همه پرسی در کردستان عراق، رفراندوم و رجوع به رای مردم برای حل مساله ملی را به یک خواست و گفتمان رایج در منطقه تبدیل خواهد کرد و این فی النفسه امر مثبت و تحولی به نفع مردم تحت ستم ملی در مناطق کردستان است. این البته لزوما به معنی صادر شدن خواست جدائی به مناطق دیگر نیست. بعنوان نمونه تا آنجا که به کردستان ایران مربوط میشود ما در ضمن دفاع از رفراندوم ، در شرایط حاضر از جدائی دفاع نمیکنیم. چون از نظر ما رفع ستم ملی و برخوردای از حقوق شهروندی برابر برای مرم کردستان در ایران کاملا ممکن است. مبارزه مردم کردستان برای تحقق این خواست جزئی از مبارزه همه مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. از نظر ما نفس برسمیت شناسی یک همه پرسی آزاد و دموکراتیک بر سر مساله جدائی در کردستان ایران و پذیرش نتیجه آن هر چه باشد، در شرایطی که ناسیونالیسم فارس بر طبل تمامیت ارضی و تهدید علیه هر نوع جدائی طلبی و حتی خودمختاری میکوبد، یک گام مهم در جهت رفع ستم ملی و حل مساله ملی است و همه پرسی کردستان عراق تحول مثبتی در این راستا خواهد بود.